«شرق» از دیدار اصلاح‌طلبان با برخی مقامات کشور گزارش می‌دهد

زمانی برای آشتی؟

شرق: بعد از گذشت هفته‌ها از وعده برخی مقامات کشور درباره آمادگی برای گفت‌وگو، در روزهای گذشته اخباری دال بر انجام برخی دیدارها و شنیده‌شدن مواضع تعدادی از چهره‌های اصلاح‌طلب توسط مقامات کشور رسانه‌ای شد. در این راستا هیئت‌رئیسه جبهه اصلاحات ایران متشکل از بهزاد نبوی، حسین مرعشی، ابراهیم اصغرزاده، جواد امام، محمود صادقی و الیاس حضرتی با علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی و غلامحسین اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه دیدار کردند. اصلاح‌طلبان در دیدار با دبیر شورای عالی امنیت ملی و رئیس دستگاه قضا پیشنهادهایی را درباره کشور ارائه کردند. آن‌گونه که برنا می‌گوید، برخی از اصلاح‌طلبان هم در قالب گروه‌های مشورتی و تشکیلاتی با برخی مقامات دیگر کشور هم دیدار کرده‌اند. برخی از اصلاح‌طلبان در قالب شخصیت حقیقی مانند عبدالواحد موسوی‌لاری و حسین مرعشی و چند نفر دیگر با مقامات دولتی دیدار داشتند و پیشنهادهای خود را برای اداره بهتر کشور با آنها در میان گذاشتند. هرچند جزئیات بیشتری درباره این دیدارها منتشر نشد اما برخی تحلیل‌ها حکایت از آن داشت که ناآرامی‌های اخیر در کشور سران اصلاح‌طلب و اصولگرا را گردهم آورده و اصلاح‌طلبان پیشنهادهایی را درباره اداره بهتر کشور ارائه کرده‌اند. علی شکوری‌راد، سخنگوی جبهه اصلاحات، درباره جزئیات دیدار هیئت‌رئیسه جبهه اصلاحات با رئیس قوه قضائیه و دبیر شورای عالی امنیت ملی گفت: «در این دیدارها تحلیلی از آنچه این روزها در ایران جریان دارد، ارائه شد. همچنین توضیحاتی درباره خواست‌ها و مطالبات بحق معترضان داده و بر پرهیز از برخوردهای خشن با معترضان و به‌خصوص به کارگیری نیروهای لباس‌شخصی تاکید شد». سخنگوی جبهه اصلاحات تاکید کرد که به‌رسمیت‌شناختن حق اعتراض مردم و اجتناب از اغتشاش نامیدن همه اعتراضات و نیز ایجاد فرصت امن برای طرح اعتراضات مردم به‌خصوص در دانشگاه‌ها از نکات دیگری بود که به آن پرداخته شد. شکوری‌راد همچنین درباره تأثیرگذاری این دیدار گفت: «اعضای جبهه اصلاحات نظرات خود را با مسئولانی که ملاقات کردند، در میان گذاشتند و به‌خصوص در زمینه برخورد با معترضان و بازداشت‌شدگان، هشدارهای لازم را داده و متذکر شدند که برخورد با معترضان باید برخورد قانونی و دموکراتیک باشد و از هر نوع برخورد خشن اجتناب شود». وی همچنین درباره ابعاد انتخاباتی این دیدار، خاطرنشان کرد: «اصلا درباره انتخابات صحبت نشد و اساسا هنوز هیچ رویکردی نسبت به انتخابات در جبهه اصلاحات وجود ندارد».

مضافا شنیده‌ها حکایت از این دارد که چندی پیش یکی از چهره‌های اصلاح‌طلب عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در حاشیه برگزاری نشست این مجمع از رئیس‌جمهور درخواست کرده تا زمینه حضور و دیدار و گفت‌وگوی تعدادی از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب با وی فراهم شود. دراین‌باره گفته شده است که رئیسی نیز یک روز پس از برگزاری نشست مجمع با گروهی از اصلاح‌طلبان از جمله مجید انصاری، عبدالواحد موسوی‌لاری، حسین مرعشی، سیدصفدر حسینی و... دیدار کرده است. به موازات انجام این دیدارها و بیان دیدگاه‌های اصلاح‌طلبان با رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه و دبیر شورای عالی امنیت ملی، معدودی از تریبون‌های اصولگرا نیز نگاه تند سابق خود نسبت به کسانی چون سیدمحمد خاتمی را تعدیل کرده‌اند. اگرچه تا رسیدن به نقطه مطلوب برای شکل‌گیری گفت‌وگوی سیاسی و مهم‌تر از آن برقراری دیالوگ و فهم و تبیین مشترک از تحولات کشور فاصله وجود دارد و حتی این تحلیل ضمنی نیز هرازگاهی شنیده می‌شود که این دست اقدامات صورت‌گرفته و تعامل با برخی چهره‌های اصلاح‌طلب به عنوان یک واکنش تاکتیکی در نظر گرفته شود ولی به‌هرحال چنین رفتاری برای هموارکردن فضای گفت‌وگو و همچنین به‌رسمیت‌شناختن این افراد و دعوت از آنان برای بیان دیدگاه‌های خود، آن‌هم در این برهه فی‌نفسه و بالذات اقدامی مثبت و قابل دفاع است. به‌هرحال چنین تصور می‌شد که حداقل برای هشت سال، تحقق پروژه یکدست‌سازی قدرت اجرائی سبب خواهد شد دیگر جریانات، احزاب و چهره‌های اصلاح‌طلب، میانه‌رو و حتی معتدلین اصولگرا هم به حاشیه بروند کمااینکه در مقطعی نیز چنین شد. حال که فقط ۴۵۶ روز از عمر دولت سیزدهم می‌گذرد، با اوج‌گیری مجموعه مشکلات سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و اجتماعی نهایتا این فضا پذیرش گفت‌وگو با «دیگران» را امری اجتناب‌ناپذیر می‌بیند.

شرط لازم،شرط کافی

در شرایطی کنونی باید به این واقعیت مهم نیز اذعان کرد که جامعه معترضی که در ۱۰ هفته اخیر در کف خیابان‌های کشور حضور داشت، توجه چندانی به پوست‌اندازی‌های سیاسی صورت‌گرفته ندارد، همچنانی که بهزاد نبوی هم در گفت‌وگویی اعتراف کرد که «امروز معترضان به حرف سیاسیون کشور گوش نمی‌دهند». نبوی در گپ‌وگفت دوم آبان خود با یکی از رسانه‌های کشور بیان کرد: «امروز شرایط جامعه به‌گونه‌ای است که کمتر کسی به دنبال فعالیت حزبی و سیاسی است. مردم به سه دسته تقسیم شده‌اند. دسته اول، توده مردم که مشکل‌شان عمدتا به معیشت برمی‌گردد. دسته دوم، بخشی از روشنفکران ما هستند که در پی آزادی، دموکراسی و... هستند که چون این مقولات را قابل تحقق ندانسته یا تحقق‌شان را پرهزینه می‌دانند، کمتر به دنبال فعالیت سیاسی و حزبی بوده و عمدتا در پی مهاجرت هستند. دسته سوم، جوانانی هستند که این روزها اعتراض خیابانی کرده و به دنبال آزادی سبک زندگی هستند و با حجاب اجباری مخالفت می‌کنند». رئیس جبهه اصلاحات با تمرکز بر نگرش غایی دسته‌بندی‌های فوق این‌گونه استنباط می‌کند: «سه دسته مذکور هیچ‌کدام با اصولگراها یا با اصلاح‌طلب‌ها ارتباط تشکیلاتی ندارند و بعضا شعارشان همان اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تموم ماجراست. اینها عنایتی به این دو جریان خصوصا انقلابیون جوان ندارند و غیر از بخشی از دسته دوم سیاسی نیستند. چنانچه می‌بینید حرف سیاسی هم نمی‌زنند. شعارهای سیاسی هم که دسته سوم بعضا در اعتراضات مطرح می‌کنند، عمدتا نشانه نارضایتی است و پشتوانه عملی ندارد». نبوی تأکید دارد که با توجه به دسته‌بندی یادشده و مشکلات معیشتی توده مردم، یأس و ناامیدی طبقه متوسط و غیرسیاسی‌شدن نسل جوان ناراحت از تحمیل سبک زندگی، شرایط فعلی شرایط مناسبی برای فعالیت سیاسی و حزبی نیست. به‌طورکلی مشکلات اقتصادی و معیشتی، همیشه مانع گرایش مردم به تحرک سیاسی بوده است.

حال با چنین آسیب‌شناسی‌ای که بهزاد نبوی از سیاست‌گزیرشدن توده جامعه ایرانی و عبور صریح و بدون تعارف برخی مردم از همه جریانات دارد، به نظر می‌رسد چرخش قدرت اجرائی یکدست‌شده به سمت تعامل با اصلاح‌طلبان فقط به‌عنوان اتفاقی مثبت برای طبقه سیاسی و اصطلاحا طیف نخبه و الیت قابل‌ارزیابی خواهد بود. این امر نشان می‌دهد که دامنه برنامه‌ریزی‌ها برای گفت‌وگو و ایجاد تعامل ملی باید به‌گونه‌ای باشد که بتواند امید و تعامل را به این بخش جامعه نیز بازگرداند. در شرایطی که هنوز تفسیر، تبیین و توصیف درستی از ماهیت اعتراضات توسط برخی گروه‌ها و سیاسیون در کشور انجام نشده است و بخش عمده این اعتراضات را نتیجه هجمه‌سازی سیاسی، رسانه‌ای و امنیتی غرب تصور می‌کنند، بدیهی است که هنوز «تجویز» جامع و منطبق بر نگاه طیف‌های مختلف سیاسی برای برون‌رفت از بحران کنونی در دست نیست. از این منظر تعامل با اصلاح‌طلبان و اصولا همه جریانات سیاسی کشور اگرچه شرطی لازم است اما کافی نیست. باید در گام بعدی گفت‌وگو و تعامل با بدنه اصلی اعتراضات نیز در دستور کار قرار گیرد.

پوست‌اندازی اصلاح‌طلبی

در این میان بی‌تردید وجود این گزاره و ذهنیت که اصلاح‌طلبان هم به عنوان سوپاپ اطمینان عمل می‌کنند، نوعی از بی‌اعتمادی عمومی را نسبت به عملکرد و مواضع این جریان سیاسی در جامعه و به‌خصوص معترضان شکل داده است؛ بنابراین احتمال سوءاستفاده اصلاح‌طلبان از شرایط بغرنج فعلی برای تحقق مطامع سیاسی خود بیش از هر زمان دیگری در میان بخشی از مردم پررنگ جلوه می‌کند؛ زمانی که احمد زیدآبادی با نگاه عبور از اصلاح‌طلبان و معرفی خود به عنوان یک رفرمیست سیاسی - اجتماعی از «زایش نیروی چهارم» می‌گوید؛ اما نهایتا با چنین اقتضائاتی ذیل واکنش طیفی از جامعه، عرصه سیاست را کنار می‌گذارد، حکایت از این دارد که به طریق اولی فضا برای جولان سیاسی جریان اصلاح‌طلبی دوم خرداد هم چندان نباید مهیا باشد. باید رادیکالیسم کنونی را هم در نظر گرفت. شکل‌گیری نیروی جدید در سایه فقر گفتمانی چیزی نیست که این روزها برای جامعه قابل پذیرش باشد؛ آن هم در شرایطی که از یک سو به گفته بهزاد نبوی جامعه دیگر روی خوشی به سیاست، سیاست‌ورزی و سیاست‌ورزان از هر جناح و جریانی ندارد و هم اینکه فردی نظیر زیدآبادی هم در گفت‌وگوی ۲۳ مهر که با «شرق» داشت، تصریح کرده بود: «جوانان و نوجوانان فعلی احساس نمی‌کنند که بار نجات جامعه بر دوش آنهاست؛ بلکه بیشتر به دنبال علایق خود هستند و در تلاش‌اند تغییراتی را در حوزه زندگی خود ایجاد کنند. به بیان روشن‌تر جوانان و نوجوانان کنونی سعی دارند حوزه زندگی خود را از تعرض دولت و تحقیرشدن‌ها نجات دهند و با همین اعتراضات خود به دنبال آن بودند که مانع از دخالت‌ها و تحقیرها در زندگی خود شوند». این فعال سیاسی و رسانه‌ای در ادامه مصاحبه خود اذعان کرد که «نمی‌توان اسم تحولات فعلی را اعتراض گذاشت، بلکه یک طغیان و عصیان شکل گرفته است. قاعدتا طغیان و عصیان هم لیدرپذیر، رهبرپذیر و مرجعیت‌پذیر نیست».

با این تفاسیر اکنون اصلاح‌طلبان به واسطه این شرایط نباید دیدار اخیرشان با رئیسی یا بیان مواضع خود را با علی شمخانی به بستری برای بازتعریف خود در قدرت بدل کنند، چون در فقر گفتمانی موجود همه جریان‌های سیاسی باید توانی را که صرف دراختیارگرفتن میزهای مدیریتی می‌کردند، صرف بسط گفت‌وگو و ایجاد فضای گفتمان ملی کنند. گفتن این نکته از آن روی ضرورت دارد که تجربه یک دهه گذشته نشان داده است که برخی از اصلاح‌طلبان به جای کمک به گشایش‌های اجتماعی یا برقراری گفتمان اجتماعی بیشتر چشم به حضور در دولت و در اختیار گرفتن میزهای دولتی داشته‌اند. بر همین اساس تنها راه واقعی برای تقویت موقعیت‌های اجتماعی ایران در شرایط امروز و در فضاهایی که برای گفت‌وگو ایجاد می‌شود، بیان صریح خواسته‌های مردم خواهد بود. بندبازی برخی چهره‌های سیاسی روی خط باریکی از محافظه‌کاری سیاسی و تلاش برای ایجاد مقبولیت عمومی در سایه شوق مدیرشدن‌های دولتی دیگر مانند ادوار پیشین کارکرد خود را از دست داده است. بر همین اساس کنشگران سیاسی در شرایط امروز فقط باید نیروی خود را صرف آرامش اجتماعی، تقویت اعتماد اجتماعی و کمک به رشد قدرت گفتمان ملی کنند. تعدد صداها و تشدید اختلافات درونی هم عامل مضاعف است. پس بهترین راه پذیرش فعالیت سیاسی و اجتماعی برای بیان صریح مطالباتی است که طی ۷۰ روز گذشته مطرح شده است. اکنون که هفته‌نامه «صبح صادق» به عنوان ارگان مطبوعاتی سپاه با تغییر لحن و بیان در شماره جدید خود از سخنان اخیر سیدمحمد خاتمی استقبال کرده و پیش‌تر هم روزنامه فرهیختگان در شماره ۲۶ آبان خود از آنچه به مثابه «مواضع مسئولانه» رئیس‌جمهور اسبق دوره اصلاحات پیرامون اعتراضات اخیر یاد می‌کند، دست به قلم شده‌اند، می‌تواند به یک پل ارتباطی بدل شود. یعنی می‌توان میزهای گفت‌وگو و رویکردهایی از این دست را امکانی دید که به صلح اجتماعی کمک می‌کنند. چشم‌داشتن به میزهای قدرت اجرائی در چنین شرایطی موقعیت‌های گفتمانی را نیز زائل خواهد کرد.

البته که در این میان شاید تضاد نگاه کاملا هویدا باشد، چراکه هم صبح صادق و هم فرهیختگان و برخی دیگر از رسانه‌های اصولگرا موضع‌گیری کسانی چون خاتمی یا نبوی در عدم همراهی با براندازی را عملا بستری برای صف‌آرایی اصلاح‌طلبان در برابر معترضان می‌دانند؛ مؤید این نکته هم به نوشته صبح صادق باز می‌گردد. این نشریه به بخشی از صحبت‌های اخیر خاتمی اشاره کرده که گفته بود: «براندازی نه مطلوب است و نه ممکن» و این گفته را مصداق «مرزبندی» با «دشمن و براندازان» برشمرد، اما نکته آنجاست که این هفته‌نامه در عین حالی که ادعای خاتمی را «یک گام به جلو» ارزیابی کرده، ولی درباره آن نوشته که «قطعا این گام به تنهایی کافی نیست». جالب آنجاست که این ارگان سپاه جایگاه خاتمی میان اصلاح‌طلبان را جایگاه «ویژه‌ای» دانسته و ابراز امیدواری کرده که او «می‌تواند با ایجاد تفاهم در طیف اصلاحات، با پررنگ‌کردن مرزبندی با دشمنان ملت ایران، زمینه گفت‌وگو را فراهم کند». در کنار آن احمد وحیدی، وزیر کشور روز دوشنبه در مراسمی به مناسبت هفته بسیج که با حضور کارکنان وزارت کشور برگزار شد، از احزاب، جریانات سیاسی و شخصیت‌ها خواست که در برابر اغتشاشگران و برهم‌زنندگان امنیت کشور، موضع‌گیری روشن داشته باشند. نکته یادشده بدان معناست که «گفت‌وگو» یعنی موضع صریح اصلاحات با معترضان. از سوی دیگر جا دارد که اصلاح‌طلبان به تبیین، توصیف آنچه در کشور می‌گذرد بپردازند. موضع‌گیری صرف، سیاستی است که نه قابل دوام خواهد بود و نه قابل دفاع؛ با تأکید چندباره، اگر اصلاح‌طلبان واقعا به دنبال برون‌رفت کشور از این بحران هستند و ذیل منافع و امنیت ملی به آینده کشور می‌نگرند، باید هزینه سیاسی ایجاد یک پل ارتباطی درست در جهت شکل‌گیری گفت‌وگو را بپردازند.

مجید فراهانی، رئیس شورای مرکزی حزب ندای ایرانیان:

در ارتباط با نسل جدید توسعه نیافته عمل کردیم

پایگاه اطلاع‌رسانی حزب ندای ایرانیان: مجید فراهانی، رئیس شورای مرکزی حزب ندای ایرانیان، با بیان اینکه براساس آماری که خبرگزاری فارس در ناآرامی‌های اخیر منتشر کرد، اشاره کرد که نیمی از بازداشتی‌ها در اعتراضات اخیر در سنین ۲۰ تا ۳۵ سال بوده‌اند و جانشین فرمانده کل سپاه نیز در سخنرانی خود گفته است: «میانگین سنی بسیاری از دستگیرشدگان ۱۵ سال بوده است»؛ بنابراین همه شواهد نشان می‌دهد که حضور نسل Z در این اعتراضات بسیار گسترده بوده است و این یعنی بخش مهمی از بدنه اجتماعی که اعتراض می‌کنند، در همین جامعه بعد از انقلاب متولد شده و رشد کرده‌اند و مطالبات مهمی دارند و نباید آنها را در تحلیل‌ها نادیده بگیریم. از اصلی‌ترین مشکلات و چالش‌های این ایام نشناختن خصوصیات این نسل و متعاقبا عدم فهم و درک مطالبات و اندیشه‌های آنان است. همچنان که انسان باید هم‌زمان با رشد سنی لباس‌های متفاوت بپوشد و لباس یک نوجوان در هنگام بزرگسالی باید متفاوت باشد، اصلی‌ترین مشکل ما پاسخ‌های کهنه به پرسش‌های جدید نسل نو است که تلاش می‌کنم در ادامه بحث به این خلأ فکری با تحلیل خصوصیات این نسل و اندیشه‌های ایشان بپردازم.

مجید فراهانی افزود: براساس تقسیم‌بندی جهانی نسل Z متولدان دهه ۸۰ و نیمه دوم دهه ۷۰ شمسی هستند؛ بنابراین درحال‌حاضر زیر ۲۶ سال هستند و نسل هزاره‌ها که نسل ماقبل نسل Z به حساب می‌آیند، نیز متولدان سال‌های دهه ۶۰ تا سال ۷۵ هستند؛ یعنی بین ۲۶ تا ۴۰ سال دارند و این یعنی براساس آمار اکثریت بازداشتی‌های این ایام عمدتا از نسل زد (Z) و بخشی از نسل هزاره‌ها بوده‌اند و این دو نسل نیز متولدان سال‌های پس از انقلاب بوده‌اند.

فراهانی با تأکید بر اینکه هریک از این نسل‌ها ویژگی‌هایی دارند، گفت: اگر بخواهیم از بزرگ خاندان یا نسل Generation یا نسل خاموش بگذریم که اکنون بالای ۷۵ سال دارند و این نسل عموما پایبند سنت هستند و در مسائل مالی بسیار محتاطانه رفتار می‌کنند و به احترام میان‌فردی اهمیت زیادی قائل‌اند. نسل دوم که به آنها بیبی بومرز یا اصطلاحا بچه بزرگ می‌گویند، مستقل و پایبند به اخلاق هستند و اطمینان و عزت نفس بالایی دارند که عموما نسل پدران ما هستند و بین ۶۰ تا ۷۵ سال دارند. نسل سوم یا نسل X بین ۴۵ تا ۶۰ سال دارند. اینها همان جوانان و نوجوانان قبل از انقلاب هستند که اکنون به تعادلی میان کار و زندگی رسیده‌اند و با تدبیر عمل می‌کنند و اکنون جوانی را پشت سر گذاشته‌اند و در دوران میانسالی به سر می‌برند. نسل چهارم نسل هزاره‌ها یا Millennials دهه ۶۰ تا ۱۳۷۵ هستند که عموما خلاقیت بالایی دارند، آینده‌نگر هستند و به ارزش درونی و اخلاقی توجه دارند و اکنون دوران جوانی‌شان را پشت سر می‌گذارند.

نسل Z بیش از دیگر نسل‌ها به شبکه‌های اجتماعی تعلق دارند

این عضو شورای مرکزی حزب ندای ایرانیان همچنین ادامه داد: نسل پنجم، نسل زد، متولدان سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ هجری شمسی هستند؛ به عبارتی نیمه دوم ۷۰ و دهه ۸۰ را پوشش می‌دهند. اینها غالبا کارآفرین و اهل یادگیری هستند و خیرخواه دیگران. همچنین خصوصیت‌های دیگری دارند که در ادامه به آن می‌پردازم. شرکت مکنزی از مشهورترین مجموعه‌های مشاور مدیریت در جهان که در عموم کشورهای دنیا شعباتی دارد، تفاوت‌هایی را در بحث محیط و رفتار در مصرف، میان این نسل‌ها به‌خصوص نسل Z مورد بررسی قرار داده است و گفته کسانی که به نسل زد (Z) تعلق دارند، افرادی هستند که بیش از دیگر نسل‌ها به شبکه اجتماعی تعلق دارند و همزاد فضای مجازی هستند و در رفتارشان هم این مسائل دیده می‌شود و بسیار علاقه‌مند به ارتباط با دیگران و برون‌گرا هستند. از زمانی که خود را شناختند، یعنی از شش‌سالگی لپ‌تاپ و موبایل در دست داشتند و شخصیت برون‌گرا و واقع‌گرایی دارند. به لحاظ مصرف نامحدودند و البته اخلاقی عمل می‌کنند.

فراهانی با اشاره به اینکه نسل Z به لحاظ تفاوت رفتاری بین نسل‌ها با توجه به اینکه آشنایی فراوان به فناوری دارند، نسبت به سایر نسل‌ها انعطاف‌پذیر و پیشرو در تغییر سیاست‌ها هستند، افزود: این نسل همه چیز را مورد پرسش قرار می‌دهد و از همه چیز در همه جای جهان مطلع است و به‌ویژه نسبت به فضای گیمرها آشنایی دارد. این نسل هیچ حد و مرز و جغرافیایی نمی‌شناسد و انگار در دهکده‌ای زندگی می‌کند که هیچ مرزی را نمی‌شناسد. با توجه به حضور این نسل در شبکه‌های اجتماعی بسیار اهل گفت‌وگو و جامعه‌محور هستند و کاملا با فضای مجازی در ارتباط‌اند. ویژگی‌های مهم این نسل عبارت است از علاقه شدید به ارتباطات مجازی و دیجیتال که نخستین خصوصیت این نسل است و دوم خلاقیت و نوآوری و تکنیک‌ها و روش‌های خلاقانه.

نسل Z حس شهروند جهانی‌شدن دارند و هیچ مرزی نمی‌شناسند

او اضافه کرد: سوم اینکه هیچ حد و مرزی در اظهارنظرهای خود قائل نیستند و احساسات شخصی خود را به‌سادگی مطرح می‌کنند و درعین‌حال اعتقاد جدی به گفت‌وگو و مذاکره دارند. اصلا درون‌گرا نیستند و کاملا برون‌گرا عمل می‌کنند. ارتباطی که از طریق شبکه‌های جهانی با فضای جهانی دارند، کاملا از کشورهای پیرامونی، همسایه و جهان مطلع هستند و درکی از واقعیت دارند؛ درعین‌حال تعهدات اخلاقی هم دارند. به عبارتی ضوابطی در ذهن این افراد شکل گرفته است و نیاز به باور و اعتماد از سوی نسل‌های پیش دارند. اگر احساس بی‌اعتمادی کنند، دچار سرخوردگی می‌شوند و به نوعی نیاز به باور و اعتماد را از سوی نسل‌های پیش دارند. علاقه‌مند و پیگیر سلبریتی‌ها هستند و حس شهروند جهانی‌بودن دارند و هیچ مرزی نمی‌شناسند. تسلط‌شان به زبان خارجی بالاست. با توجه به اینکه تعداد این افراد در خانواده‌ها کم است و به نحوی استقلال رأی دارند و فرزندسالاری حاکم است، تعیین‌کننده هستند. بیشترین مهارت را در شبکه‌سازی دارند. حتی بازی‌هایشان با گیمور از کشورهای مختلف است. بی‌پروا هستند و دارای تحمل کم.

۳۰ درصد جمعیت جهان امروز به نسل Z تعلق دارد

فراهانی با اشاره به اینکه نسل Z تمایل کمتری به درس‌خواندن و دانشگاه‌رفتن دارند، تصریح کرد: بیشتر دوست دارند کسب‌وکار خود را داشته باشند، تمایل به کارآفرینی دارند و کمتر تمایل به کارمندبودن دارند. تمایل شدید به آزادی شخصی و غرب‌گرایی دارند، به هیچ وجه خودسانسور نیستند و به آسانی احساسات خود را بیان می‌کنند. طرفدار آزادی هستند. نکات بسیار زیادی درباره این نسل وجود دارد. به طور خلاصه باید گفت حدود ۳۰ درصد جمعیت جهان امروز به نسل Z تعلق دارد به همین دلیل باید تأکید کرد که این افراد در انتخابات و جهت‌گیری‌ها تعیین‌کننده هستند. در انتخابات سنای آمریکا که اخیرا برگزار شد پیش‌بینی‌ها بر این بود که نه تنها جمهوری‌خواهان بلکه تندروها آرای اکثریت را خواهند داشت اما عملا با کمال شگفتی دموکرات‌ها اکثریت کرسی‌های مجلس سنا را به دست گرفتند. حتی رأی جمهوری‌خواهان با دموکرات‌ها هم در مجلس کنگره تقریبا برابر است البته کمی جمهوری‌خواهان بالاترند اما هنوز به اکثریت نرسیده‌اند. تحلیلگران در این کشور معتقد بودند در اتفاقی که برای دموکرات‌ها افتاد نسل Z تعیین‌کننده بودند.

نسل Z به جهان پیرامون ساده نگاه نمی‌کنند

این تحلیلگر مسائل سیاسی افزود: گزارش مکنزی درباره خصوصیات نسل Z گزارش مفصلی است که به چهار مورد آن اشاره می‌کنم. او در این گزارش گفته است که این نسل شخصیت چندوجهی دارند. به‌هیچ‌وجه به جهان پیرامون ساده نگاه نمی‌کنند. خود را تنها از یک طریق تعریف نمی‌کنند و مشتاق دیده‌های جدید هستند. دائما دیده‌های جدید را تعریف می‌کنند و بسیار مشارکت‌جو هستند. ارتباطات آنلاین را بسیار دوست دارند، تا حد ممکن از تکنولوژی بهره می‌برند و بیشتر مکالمه می‌کنند. کمتر به مقابله می‌پردازند و برای تفاوت عقاید ارزش قائل هستند. تعصبات دینی، قومی و ملی در این نسل جایگاهی ندارد. به اهمیت گفت‌وگو میان نسل‌ها، ادیان و قومیت‌های مختلف کاملا اعتقاد دارند. واقع‌بین هستند و کاملا عمل‌گرایانه زندگی می‌کنند و کمتر در آموزش‌های رسمی شرکت می‌کنند. آموزش‌های آنلاین می‌بینند و از اهمیت پس‌انداز برای آینده آگاه هستند. این مسائل در فضای آموزش جدید بسیار اهمیت دارد که نوع جدیدی از آموزش تعریف شود. همین‌طور در فضای کسب‌وکار و تولیدکنندگان امروز صاحبان سرمایه و صنایع سعی می‌کنند با توجه به گرایشات این نسل محصولاتشان را ارائه کنند؛ بنابراین افرادی که در بازار سرمایه هستند، این نسل را نادیده نمی‌گیرند و سعی می‌کنند متناسب با آن برنامه‌ریزی کنند. این نسل نسبت به موضع‌گیری‌های کسب‌وکار بسیار حساس هستند و نسبت به حقایق پشت پرده کسب‌وکار کنجکاوند.

او با اشاره به اینکه نسل Z به سادگی می‌توانند بفهمند که سهامداران فلان شرکت چه کسانی هستند و تحریمشان می‌کنند، گفت: بر اساس گزارش شرکت مکنزی قدرت خرید این نسل در جهان تقریبا ۴۴ میلیارد دلار است که به صورت مستقیم هزینه می‌کنند و نکته مهم اینکه در والدین‌شان هم تا ۴۰۰ میلیارد دلار تأثیر می‌گذارند. به محتواهای ویدئویی نسبت به نسل‌های گذشته علاقه‌مندترند. به جای خواندن کتاب و روزنامه به فضای مجازی گرایش بیشتری دارند. ۷۰ درصد از زمان خود را صرف تماشای ویدئو در یوتیوب می‌کنند. ۷۲ درصد قصد راه‌اندازی کسب‌وکار خود را دارند و کارآفرین هستند. ۵۶ درصد این نسل از اینترنت موبایل استفاده می‌کنند و ۱۰ درصد از تبلت و ۳۰ درصد دسکتاپ.

نسل Z از انتقاد به دیگران هراسی ندارند

فراهانی ادامه داد: این نسل از انتقاد به دیگران هیچ هراسی ندارند، به عبارتی اگر بیبی‌بومرها ۱۵ درصدشان نترس بودند و نسل ایکس ۲۵ درصد و نسل هزاره‌ها ۳۵ درصدشان نترس هستند اما این نسل ۴۲ درصدشان نمی‌ترسند. پرسشی که در اینجا مطرح است باید در رابطه با مطالباتشان چه کرد؟ نکته نخست به‌رسمیت‌شناختن این نسل و مطالبات آنهاست. به عبارتی باید بپذیریم که نسل جدیدی با نیازها و خواسته‌ها و شرایط جدیدی میان نسل‌ها راه پیدا کرده است و آنها را به رسمیت بشناسیم. با انکار آنها فقط خودمان را گول می‌زنیم. نکته دوم آنکه متناسب با این تغییرات باید فضای حکمرانی کشور نیز تغییر کند، در غیر این صورت خسارت‌های بسیاری وارد خواهد شد، چراکه جاده پیچیده و ما هنوز نپیچیده‌ایم. این‌طور نمی‌شود که مطالبات و نسل و شرایط اجتماعی تغییر کند و تو تغییر نکنی یا نپیچی. حکمرانی باید متناسب با این تغییرات اصلاح شود.

چرا باید حتما در کشور اتفاقی بیفتد تا از رفراندوم صحبت شود

فراهانی تصریح کرد: مسئله پنجم اینکه مردم باید نمایندگان خود را در کرسی‌های تصمیم‌گیری ببینند. جامعه ایران مانند همه جای جهان مطالباتی دارد. نسل Z وقتی ببیند که نماینده‌های آنها در مراکز تصمیم‌گیری افرادی هستند که حرف‌های آنها را می‌زنند و نمایندگی می‌کنند دیگر از روش‌های دیگر حرفشان را نمی‌زنند؛ بنابراین مطالبات مردم باید در مجاری طبیعی خود منعکس شود و عبور کند. در غیر این صورت طبیعی است که از مجاری غیرطبیعی خود عبور کند. وقتی این مجاری بسته شود در جاهای دیگر خود را نشان می‌دهد. در قانون اساسی ظرفیت‌های مغفول وجود دارد که به آنها توجه نشده و این ظرفیت‌ها می‌تواند ظهور عینی پیدا کند و نویدبخش توسعه کشور و رفاه مردم باشد. رفراندومی که در قانون اساسی آمده و دو بار هم مردم بر اساس آن در این ۴۳ سال رأی دادند چرا نباید محل رجوع باشد. این بند قانونی تنها برای این نبود که امروز خاک بخورد و فقط دو بار آن هم در سال‌های ۵۸ و ۶۸ رفراندوم برقرار شود

این عضو شورای مرکزی حزب ندای ایرانیان در پاسخ به این سؤال که نسل Z چقدر در ناآرامی‌ها مؤثر بوده است، گفت: آماری که خبرگزاری فارس اعلام کرده است ۹۰ درصد دستگیرشده‌ها زیر ۳۵ سال و ۷۰ درصد زیر ۲۵ سال یعنی نسل Z بودند این خود نشان‌دهنده میزان حضور این افراد است. بدیهی است که ما نمی‌خواهیم ناآرامی‌ها را محدود به سن خاصی کنیم بلکه این اعتراضات زمینه‌های اجتماعی گسترده‌ای داشته و عوامل متعددی در آن مؤثر بوده است اما یکی از ابعاد آن قطعا نادیده‌انگاری مسائل خاص نسل Z است. اکثر کشورها و صاحبان کسب‌وکار شرکت‌های بزرگ در این زمینه و تأثیرگذاری آنها در حوزه‌های مختلف و حتی سیاسی تحقیق کرده‌اند.

توسعه‌نیافتگی نوع برخورد ما با نسل Z منجر به بروز حوادث اخیر شد

فراهانی در پایان گفت: پرسش اصلی آنجاست که چگونه این نسل در انتخابات کشورهای مختلف متناسب با مطالباتش نقش مثبت ایفا می‌کند. شرایط به گونه‌ای فراهم است که متناسب با غلیان این نسل در چهارراه مناسبی جریان پیدا می‌کند اما در ایران این باران خدادادی به سیل تبدیل می‌شود و خسارت به بار می‌آورد. چنین مسئله‌ای بیانگر این مهم است که ما در رابطه با این نسل توسعه‌نیافته عمل کردیم و مطالبات این نسل را نشناختیم. هم‌زمان با مطالبات این نسل تغییر نکردیم و نمایندگان این نسل و دیدگاه‌های این نسل را در مراکز تصمیم‌گیری راه ندادیم و طبیعتا توسعه‌نیافتگی نوع برخورد ما با نسل و مطالبات ما منجر به چنین وضعیتی شده است. مشابه این نسل اگر بارانی شکل می‌گرفت و ما برایش آماده بودیم، خیر و برکت ایجاد می‌کرد، چون آماده نبودیم سیلی شد که گریبان همه را گرفت.